



Conditions and Causes for Obligation to Mitigate Damages and the Effect of Negligence in It under Iranian and German Law

ARTICLE INFO

DOI: 10.48311/CLR.29.1.3

Article Type

Research Article

Authors:

¹ Mozhdeh Jamsahar 
ORCID: <https://0000-0001-8997-4570>

² Ebrahim Delshad Maaref * 
ORCID: <https://0000-0001-9654-689x>

³ Seyed Mehdi Mirdadashi Kari 
ORCID: <https://0000-0002-5439-3933>

Affiliation:

¹ Ph. D Student in Private law, Faculty of Human Sciences, Islamic Azad University, Qom Branch, Qom, Iran

² Assistant Professor in Private law, Faculty of Human Sciences, Islamic Azad University, Qom Branch, Qom, Iran

³ Associate Professor in Private law, Faculty of Human Sciences, Islamic Azad University, Qom Branch, Qom, Iran

Correspondence: *

Email: edelshad1972@gmail.com

Article History:

Received: 2024/06/28

Accepted: 2025/01/31

Abstract

In case of breaching the contract, the injured party is entitled to receiving the compensation that places him in a status similar to full performance situation. However, if the injured party has a role to increasing the damage, either by failing to take reasonable action to mitigate the loss or by acting in a way that aggravates it, the principle of full compensation will be defected and the Amount of compensation will be regulated based on this role. This article, titled "Conditions and Causes for Obligation to Mitigate Damages and the Effect of Negligence in It under Iranian and German Law," Addresses this question that how is the scope and conditions of the injured party's obligation to mitigate and how to claim the relevant costs. Using a descriptive-analytical method and library resources, the research findings show the obligation to mitigating the damage is limited to reasonable and acceptable measures, and also substitute contract formation with a third party could fall within this framework. Moreover, the incurred costs to mitigate damages are receivable, and injured party's negligence is considered as one of the main basis to mitigate the amount of compensation.

Keywords: Obligation, Damages, Injured Party, Cost, Negligence.





شرایط و علل تعهد به کاهش خسارت و اثر کاهلی در آن در حقوق ایران و آلمان

مژده جام سحر^۱، ابراهیم دلشاد معارف^{۲*}، سید مهدی میرداداشی کاری^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، گروه حقوق خصوصی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی قم، ایران
۲. استادیار گروه حقوق خصوصی، گروه حقوق خصوصی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی قم، ایران
۳. دانشیار گروه حقوق خصوصی، گروه حقوق خصوصی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی قم، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۱۲

تاریخ ارسال: ۱۴۰۳/۰۴/۰۸

چکیده

هنگامی که یکی از طرف‌های قرارداد به سبب نقض آن متحمل خسارت می‌شود، غرامت باید به نحوی تعیین شود که زیان‌دیده در وضعیت مشابه با وضعیت اجرای قرارداد قرار گیرد. در حقیقت، هنگامی که زیان‌دیده با عدم اجرای قرارداد در افزایش خسارت نقش داشته باشد، اعم از اینکه به رغم توانایی اقدامی در جهت کاهش خسارت نکرده یا با اقدام خود سبب افزایش خسارت وارده شود، اصل لزوم جبران کامل اعمال نخواهد شد و غرامت قابل تعیین بر اساس این نقش کاهش خواهد یافت. بر همین اساس، این مقاله با عنوان شرایط و علل تعهد به کاهش خسارت توسط زیان‌دیده، چگونگی مطالبه هزینه‌های آن با بررسی کاهلی در کاهش زیان در حقوق ایران و آلمان را با طرح این سوال که شرایط تعهد به کاهش خسارت در

E-mail: edelshad1972@gmail.com

* نویسنده مسئول مقاله:

مقاله مستخرج از رساله نویسنده اول و راهنمایی دکتر دلشاد معارف و مشاوره دکتر میرداداشی با عنوان «تأثیر اهمال زیان‌دیده در جلوگیری از توسعه ضرر در حقوق ایران و آلمان» از دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم است.



کپی‌رایت © ۲۰۲۵، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس (TMU Press). این مقاله به صورت دسترسی آزاد منتشر شده و تحت مجوز بین‌المللی Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 قرار دارد. بر اساس این مجوز، شما می‌توانید این مطلب را در هر قالب و رسانه‌ای کپی، بازنشر و بازآفرینی کنید و یا آن را ویرایش و بازسازی نمایید، به شرط آنکه نام نویسنده را ذکر کرده و از آن برای مقاصد غیرتجاری استفاده کنید.



محدوده اقدامات و هزینه‌های انجام شده آن به چه صورت است با روش تحلیلی - توصیفی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای بررسی کرده و دستاوردهای آن گویای این است که شرایط تعهد به کاهش خسارت در محدوده اقدامات قابل پذیرش و معقول است. در زمینه تعهد به کاهش خسارت نیز می‌توان یک قرارداد جایگزین با شخص ثالث را در این حیطه منعقد نمود. همچنین، روشن خواهد شد که هزینه‌های انجام شده به منظور کاهش خسارت قابل مطالبه است و کاهلی در کاهش زیان در زمره مبانی و علل توجیهی در تعهد به کاهش خسارت محسوب می‌شود.

واژگان کلیدی: تعهد، خسارت، زیان‌دیده، هزینه، کاهلی.

۱. مقدمه

هنگامی که فرد در معرض خسارت قرار می‌گیرد، اعم از این که حادثه موجب زیان به چه دلیلی باشد، مکلف است اقدامی معقول و متعارف از خود نشان داده و تا حد امکان از توسعه و گسترش زیان جلوگیری نماید. کاهش خسارت یا همان قاعده‌ی تقلیل خسارت به این معنا است که زیان‌دیده باید از ضرر و زیان‌های ناشی از خطای ارتكابی توسط عامل زیان اجتناب نموده و تا حد امکان آن‌ها را کاهش دهد و همچنین از افزایش ضرر و زیان وارده به خود جلوگیری نماید (داراب‌پور، ۱۳۹۶: ۱۱۱). به عبارت دیگر، ماهیت تکلیف زیان‌دیده تعهد به وسیله، و نه تعهد به نتیجه، است و حتی اگر این اقدامات سبب کاهش خسارت نشوند نیز هزینه‌های ناشی از آن‌ها قابل مطالبه است (ابهری و کاویار، ۱۳۹۲: ۸۵). از طرفی، کاهش غرامت در قبال کوتاهی زیان‌دیده در کاهش خسارت نیازی به درخواست رسمی نقض‌کننده ندارد، بلکه همان‌طور که در حقوق آلمان عنوان شده است، قاعده مزبور این ویژگی را دارد که به طور خودکار و به ابتکار دادگاه اعمال شود (Rizink, ۲۰۰۹: ۵).

این مسئله در حقوق ایران عنوان نشده و چندان مورد اتفاق نظر نیست؛ اما از ماده ۳۵۵ قانون مجازات اسلامی سابق و ماده ۱۵ قانون بیمه قابل برداشت است که در ماده اخیر عنوان شده است، بیمه‌گذار باید مراقبتی که عادتاً هر کس از مال خود می‌نماید را نسبت به موضوع بیمه



نماید، در غیر این صورت بیمه‌گر مسئول نخواهد بود. همچنین، بر اساس بند سوم ماده ۴ قانون مسئولیت مدنی، امکان تخفیف میزان خسارت توسط دادگاه را در صورت کاهلی زیان‌دیده قرار داده است و در راستای شرایط و علل تعهد زیان‌دیده به کاهش خسارت نیز شایان توجه است که لزوم انجام اقداماتی توسط زیان‌دیده در اجتناب یا تقلیل خسارات وارده به وی که در نتیجه خطای خوانده است به عنوان یک تکلیف و وظیفه قانونی، این سوال را مطرح می‌کند که مبنای این تکلیف چیست؟ چرا باید شخص زیان‌دیده را که در ابتدا هیچ تقصیری در ورود خسارت نداشته است مکلف به انجام اقداماتی در جهت کاهش خسارت نمود؟ در حالی که منشاء این خسارات خطای ارتكابی خوانده اعم از شبهه جرم یا نقض قرارداد است.

وجود چنین تکلیفی بدون شک به خوانده انگیزه می‌دهد که در هر زمانی که نقض قرارداد منافی بیشتر از اجرای قرارداد به او می‌رساند، عمداً تعهدات قراردادی خود را نقض نماید و خسارات قابل پرداخت توسط وی نیز بسیار کم خواهد بود؛ زیرا خواهان در اجرای تکلیف خود به کاهش خسارت ملزم به انجام اقداماتی در جهت تقلیل خسارات وارده به خود است و در غیر این صورت، استحقاق مطالبه‌ی آن بخش از خساراتی که می‌توانست با اقدامات متعارف و معقول از افزایش آن‌ها جلوگیری نماید را نخواهد داشت. در این میان، در راستای تعهد به کاهش خسارتی که وجود دارد، شرایط و علت‌هایی در حقوق ایران و آلمان قابل ذکر است که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد.^۱

پژوهش‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱- در راستای بررسی سوابق نزدیک می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱- امید رضا فرخ دوست، دومین کنگره دانشجویان حقوق (۱۴۰۲) مقاله خود را با عنوان «گذری بر قاعده تقلیل خسارت در مسئولیت مدنی» نگارش کرده است. نگارنده عنوان داشته است که اصل جبران کامل خسارت مقتضی این است که هیچ خسارتی بدون جبران باقی نماند، اما بعضاً این زیان‌دیده است که با رفتار خود اعم از فعل یا ترک فعل سبب وارد شدن خسارت به خویش را ایجاد می‌نماید و باید قبول کرد که در این حالات به واقع خسارت تخفیفی داده نمی‌شود. این مقاله قاعده تقلیل خسارت را مورد بررسی قرار داده و نگاهی اجمالی به علل توجیهی تعهد به کاهش خسارت داشته است و بیشتر مباحث کلی را در مقاله خود تحلیل نموده است؛ در حالی که مقاله پیش رو به صورت جامع و کامل‌تری شرایط و علل تعهد به کاهش خسارت را مورد بررسی قرار داده است.



۲. شرایط تعهد به کاهش خسارت توسط زیان‌دیده در حقوق ایران و آلمان

شرایط تعهد به کاهش خسارت توسط زیان‌دیده در حقوق ایران و آلمان به قرار ذیل است:

۲-۱) در حد توان و امکانات

به منظور تعهد به کاهش خسارت، زیان‌دیده ملزم نیست اقداماتی انجام دهد که به طور غیرمعقول خطر زیاد با هزینه زیاد دارند، بلکه صرفاً باید در حد توان امکانات و توانایی خود را به منظور

۲- سید قاسم زمانی و وحید بذار، مجله حقوق خصوصی دانشگاه تهران (۱۳۹۷) مقاله خود را با عنوان «تعهد زیان‌دیده به کاهش خسارت در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا» با روش تحلیلی - توصیفی و بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای نگارش نموده‌اند. محققان به ضرورت تلاش مقتضی زیان‌دیده اشاره داشته‌اند. در مقاله مذکور تعهد زیان‌دیده به کاهش خسارت در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا مورد بررسی قرار گرفته است، حال آنکه در پژوهش حاضر حقوق ایران و آلمان به عنوان کشورهای تابع نظام رومی - ژرمنی موضوع بررسی بوده و شرایط و علل تعهد ذکر شده است.

۳- محمد عبدالصالح شاهنوش فروشانی، نشریه حقوقی دادگستری (۱۳۹۵) مقاله خود را با عنوان «تکلیف زیان‌دیده به کاهش خسارت ناشی از نقض قرارداد و تأثیر آن در میزان مسئولیت ناقض قرارداد» نگارش کرده است. در این مقاله حقوق کامن‌لا مورد بررسی قرار گرفته و نویسنده در تلاش بوده است پس از توضیح معنا و مبانی این قاعده و شرایط اجرای آن در نظام کامن‌لا، برخی موارد را با استفاده از قواعد فقهی یا نظریات عمومی در فقه امامیه، در نقش زیان‌دیده از نقض قرارداد در محاسبه میزان خسارات مورد بررسی قرار دهد. همان‌گونه که روشن است، محتوای مقاله بر اساس حقوق کامن‌لا نگارش شده است.

۴- فخرالدین اصغری آقمشهدی و محمد جابر قنبری، پژوهشنامه حقوق تطبیقی (۱۳۹۴) مقاله خود را با عنوان «الزام زیان‌دیده به تقلیل خسارت در حقوق انگلیس و کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا (۱۹۸۰ وین)» نگارش نموده‌اند. در این مقاله، الزام زیان‌دیده به تقلیل خسارت با تطبیق در حقوق انگلیس و کنوانسیون مورد بررسی واقع شده است که با محتوای پژوهش حاضر متفاوت است. نویسندگان به این نتیجه رسیده‌اند که قاعده‌ی الزام به تقلیل خسارت، منوط به وجود شرایطی مانند وقوع فعل ضرری، نقض تعهد قراردادی، قابل اجتناب بودن ضرر وارده و امثال آن است.

۵- حمید ابهری و حسین کاویار، دانش حقوق مدنی (۱۳۹۲) مقاله خود را با عنوان «نظریه تقلیل خسارت در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا (۱۹۸۰ وین) و حقوق ایران» نگارش نموده و به این مسئله اشاره داشته‌اند که قاعده تقلیل خسارت در مواد ۷۷ و ۸۰ کنوانسیون مذکور منعکس شده است و در حقوق ایران با استناد به قاعده اقدام، تسبیب و لاضرر می‌توان وجود این قاعده را ثابت کرد. این مقاله نیز با پژوهش حاضر متفاوت بوده و در حقوق کامن‌لا به بررسی مسئله پرداخته شده است، حال آنکه پژوهش پیش رو به بررسی تقلیل خسارت در حقوق رومی - ژرمنی توجه داشته و حقوق کشورهای ایران و آلمان را مدنظر دارد.

۶- ابراهیم شعاریان و یوسف مولائی، پژوهش حقوق خصوصی (۱۳۹۱) در پژوهش خود با عنوان «شرایط و موانع اعمال قاعده‌ی تقلیل خسارت» به این نتیجه رسیده‌اند که مطابق قاعده‌ی تقلیل خسارت، زیان‌دیده متعهد است تمامی اقدامات متعارف و معقولی را که برای کاستن از خسارت لازم و ضروری است، انجام دهد. همان‌گونه که روشن است، این مقاله بحث قاعده را به صورت کلی مورد بررسی قرار داده و توجه خاصی به مبانی و موارد مشابه نداشته است. با این حال، در مقاله حاضر حقوق ایران و آلمان به عنوان کشورهای تابع نظام رومی - ژرمنی موضوع بررسی قرار گرفته‌اند و شرایط و علل تعهد به کاهش خسارت و اثر کاهلی در آن ذکر شده است.



کاهش خسارت به کار گیرد. به عنوان مثال، در حقوق آلمان زیان‌دیده می‌تواند مبیعی را که هنگام تحویل مطابق ویژگی‌های مندرج در قرارداد نیست، تعمیر کند یا هنگام ناتوانی فروشنده در سپردن منبع به مسئول حمل و نقل، در زمان تعیین شده، ترتیبات حمل و نقل را بر عهده گرفته یا مبیع را در محل وقوع آن تحویل گیرد (Knapp, ۱۹۹۸: ۵۶۰).

۲-۲) راهکارهای جایگزین مناسب

اجرای سخت‌گیرانه‌ی تعهد به کاهش خسارت می‌تواند مشکلاتی را در عمل برای زیان‌دیده ایجاد کند. یعنی اگر زیان‌دیده ملزم باشد از راهکارهای جایگزین نامناسب استفاده کند، اوست که تاوان نقض قرارداد طرف دیگر را پرداخته است. در حقیقت، اجرای مناسب تعهد به کاهش خسارت باید با هدف ایجاد توازن میان منافع مشروع طرف‌ها دنبال شود. به عنوان مثال، اگر فروشنده از اجرای قرارداد فروش قطعات باکیفیت مربوط به دستگاه‌های کارخانه، که تولید آن‌ها در انحصار اوست، امتناع کند و خواهان مجبور شود به منظور فعالیت خط تولید - کاهش خسارت - از قطعات نامرغوب استفاده نماید، به سبب فعال ماندن کارخانه در عمل هیچ خسارت مستقیمی به خریدار وارد نشده است. اما با این اقدام، استهلاک دستگاه‌ها را تسریع کرده و در طولانی مدت متحمل زیان می‌شود. به علاوه، این امکان همواره وجود دارد که به رغم تلاش زیان‌دیده در جهت کاهش خسارت، اقدامات او کافی تلقی نشود. به عنوان مثال، در قضیه‌ای در سال ۱۹۹۸ معروف به قضیه جاروبرقی که فروش تعدادی جاروبرقی موضوع قرارداد بود، دادگاه جست و جوی خریدار آلمانی را برای جایگزین کردن جاروبرقی‌های معیوب در مناطقی از آلمان کافی محسوب ننمود و با تأکید بر خارجی بودن فروشنده اعلام کرد که جست و جوی بایست در کشورهای خارجی نیز صورت می‌گرفت. البته اگر اقدامات ناکافی زیان‌دیده موجب کاهش بخشی از خسارت شود، به تفاوت میان مبلغ خسارت قابل اجتناب و خسارت کاهش داده شده در تعیین غرامت توجه خواهد شد (Zimmerman, ۲۰۰۵: ۳۸).



۲-۳) امکان کاهش خسارت از لحاظ عملی و حقوقی

علاوه بر این، به امتناع از کاهش خسارت هنگامی در رابطه با تعیین میزان غرامت توجه می‌شود که زیان‌دیده به رغم توانایی از آن خودداری کند و اگر او به لحاظ حقوقی با عملی قادر به کاهش خسارت نباشد، تغییری در میزان غرامت قابل تصور نیست. بنابراین، تفاوتی نمی‌کند که این عدم توانایی منتسب به زیان‌دیده یا یک عامل خارجی مانند قوه قاهره باشد. همچنین اگر در هر زمان پس از ورود خسارت، توانایی و امکان کاهش خسارت فراهم شود، خسارت‌هایی از آن تاریخ به بعد قابل مطالبه نخواهد بود. اما اقدامات زیان‌دیده به منظور کاهش خسارت می‌تواند هر شکلی به خود بگیرد و تعیین آن مسئله‌ای مربوط به واقعیت‌های هر قضیه، و نه مسئله‌ای حقوقی، است که بر اساس صلاح‌دید دادگاه یا مرجع رسیدگی‌کننده احراز می‌شود.

در بحث این مقاله و حقوق رومی - ژرمنی، از جمله در حقوق ایران و آلمان نیز معنای ساده معقول بودن این است که یک تاجر منطقی در شرایط قضیه چه اقدامی انجام می‌دهد. اما در بررسی این معیار بر اساس حقوق آلمان، می‌بایست منافع طرفین قرارداد، عرف تجاری، رویه معین میان طرفین و اصل حسن نیت را نیز مدّ نظر قرار داد (Schlechtim & Butler, ۲۰۰۹: ۲۲۱). بنابراین، یک فهرست مشخص از اقدامات را نمی‌توان در این زمینه تدوین کرد، بلکه اقدامات و تدابیر کاهش‌دهنده خسارت باید در هر قضیه به صورت جداگانه بررسی شود. البته بر اساس حقوق کشور آلمان، زیان‌دیده مکلف نیست تا هر کاری را برای کاهش خسارت انجام دهد؛ وی تنها موظف به انجام اقدامات تجاری عادی و معمولی برای کاهش خسارت است. از جمله مواردی که در آن اقدام زیان‌دیده برای کاهش خسارت به دلیل نامتعارف بودن آن لازم دانسته نشده است، شامل مواردی مانند این است که اقدام مورد نظر پول و سرمایه زیان‌دیده را در معرض خطر قرار دهد و همچنین لازم نیست از تورم پولی خسارت اجتناب نماید. از طرف دیگر، نباید اقدام وی برای کاهش خسارت، زیان‌دیده را در یک دعوای پیچیده حقوقی با شخص ثالث وارد نماید (Schlechtim & Butler, ۲۰۰۹: ۲۲۲).



۲-۴) زمان معقول

اقدامات مربوط به کاهش خسارت باید در زمان معقول انجام شود؛ به این مفهوم که زیان‌دیده از عدم اجرای قرارداد نمی‌تواند اقدامی را که سال‌ها پس از نقض قرارداد انجام داده با استناد به اقدام در جهت کاهش خسارت توجیه نماید. همچنین در برخی موارد از جمله خرید و فروش یک مبیع فاسد شدنی، گذشتن یک فاصله زمانی کوتاه مدت نیز می‌تواند سببی برای عدم پذیرش ادعای اقدام در جهت کاهش خسارت تلقی شود. با این حال، زمان معقول با توجه به شرایط هر قضیه می‌تواند متفاوت باشد.

۳. جبران هزینه‌های ناشی از اقدامات انجام شده به منظور کاهش خسارت

بدون تردید وقتی اقداماتی در راستای کاهش خسارت انجام می‌شود، هزینه‌هایی پرداخت می‌شود که بر این اساس به بررسی وضعیت جبران هزینه‌های ناشی از اقدامات انجام شده به منظور کاهش خسارت پرداخته می‌شود.

۳-۱) جبران هزینه‌ها

حال چنانچه زیان‌دیده به منظور کاهش خسارت هزینه‌هایی را متقبل گردد، آیا این هزینه‌ها قابل مطالبه است؟ در خصوص این موضوع شایان توجه است که به موجب حقوق آلمان، زیان‌دیده تنها مکلف به انجام اقدامات متعارف و معقول به منظور تقلیل خسارت و بعضاً جبران هزینه‌ها بوده و از زیان‌دیده انتظار انجام اقدامات غیرمتعارف و منفعت‌آور وجود ندارد و متعاقباً امکان جبران هزینه هم نخواهد بود (شعاریان و مولایی، ۱۳۹۱: ۱۴۲).

در حقوق ایران اما حکم خاصی در مورد این موضوع ملاحظه نمی‌شود، با این حال برخی بیان داشته‌اند که از ملاک ماده ۳۵۵ قانون مجازات اسلامی سابق و ماده ۱۵ قانون بیمه بر می‌آید که باید هزینه‌های متعارفی که برای جلوگیری از گسترش خسارت پرداخت شده جبران شود. از عبارت «عادتاً» که در ماده ۱۵ قانون بیمه استعمال شده است می‌توان اقدام متعارف را استنباط نمود (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۲۸).



۲-۳) شرایط مطالبه هزینه‌های مربوط به کاهش خسارت

هر چند خواهان مستحق مطالبه هزینه‌هایی که در انجام اقدامات مربوط به کاهش خسارت متحمل گردیده است می‌باشد، اما نمی‌تواند هرگونه هزینه‌ای را از خوانده مطالبه نماید، بلکه این هزینه‌ها باید متعارف و معقول باشد. بنابراین، خواهان حق مطالبه هزینه‌های نامتعارف و غیرمعقول را نخواهد داشت. به واقع در حقوق ایران و آلمان نیز اگر شخصی کالایی را از فروشنده خریداری کند و سپس آن را به دیگری بفروشد، در صورت عدم تحویل کالا توسط فروشنده، او قادر به تحویل کالا به خریدار دوم نخواهد بود و در صورتی که خریدار دوم علیه او اقامه دعوی نماید و او دعوی مزبور را با پرداخت مبلغی به خریدار دوم به مصالحه خاتمه دهد، برای مطالبه مبلغ مذکور از فروشنده به عنوان هزینه وی باید ثابت نماید که مصالحه مزبور در آن شرایط معقول بوده است؛ زیرا ممکن است در صورت عدم مصالحه و صدور حکم علیه وی، مبلغ پرداختی بسیار بیشتر از مبلغ پرداختی بر اساس مصالحه باشد.

در موردی که اجتناب از ضرر مستلزم هزینه‌ای بیشتر از میزان خسارتی باشد که در صورت عدم انجام اقدامات مربوط به کاهش خسارت بوجود می‌آید، این هزینه‌ها نامتعارف و غیرمعقول بوده و قابل مطالبه نیست و به عنوان یک اصل کلی، صرف هزینه برای جلوگیری یا تقلیل خسارت در مواردی معقول است که نسبت هزینه‌های متحمل به خسارات کاهش یافته، اندک و ناچیز باشد.

ممکن است این سوال مطرح شود که چه نوع هزینه‌هایی را می‌توان معقول و متعارف تلقی کرد؟ در پاسخ باید گفت که قاعده کلی در این مورد وجود ندارد و این مسئله که چه هزینه‌هایی متعارف و معقول است، بستگی به شرایط خاص هر پرونده دارد. به عنوان مثال، در موردی که خریدار از پذیرش کالاهای خریداری شده خودداری می‌کند، هزینه‌هایی که فروشنده برای فروش مجدد کالا جهت کاهش خساراتش متحمل می‌شود مانند هزینه‌های انبارداری و نگهداری کالا تا زمان فروش مجدد، هزینه چاپ آگهی و هزینه تغییر کالاها جهت خریدار دیگر نیز از خریدار قابل مطالبه خواهد بود یا در موردی که فروشنده از تحویل کالاها خودداری می‌کند، خریدار ممکن است در کاهش خساراتش کالاهایی با شرایط نزدیک به کالاهای موضوع قرارداد را خریداری



نموده و با صرف هزینه‌هایی آن‌ها را با شرایط قرار داد منطبق نماید؛ در این صورت او می‌تواند این هزینه‌ها را از فروشنده دریافت نماید (داراب‌پور، ۱۳۹۶: ۱۰۸). در صورتی که خواهان در انجام اقدامات مربوط به کاهش خسارت متحمل هزینه‌هایی گردد، اما قادر به کاهش خساراتش نباشد یا حتی انجام این اقدامات به ضرر بیشتری منجر شود، در این صورت علی‌رغم ناموفق بودن اقدامات مزبور، وی می‌تواند هزینه‌های مربوط به انجام این اقدامات را مطالبه نماید.

۳-۳) غیرقابل مطالبه بودن خسارات اجتناب شده و کاهش منفعت‌ها

در حقوق ایران، در مواردی که خواهان با انجام اقداماتی از ورود خسارت بالقوه ناشی از نقض قرارداد که در صورت عدم انجام این اقدامات بوجود می‌آمد جلوگیری می‌کند، خساراتی که از آن‌ها اجتناب شده است از خواننده قابل مطالبه نخواهد بود. به عنوان مثال، در موردی که خریدار از پذیرش کالاهایی که به موجب قرارداد به خرید و پذیرش آن‌ها متعهد شده است خودداری می‌کند ولی فروشنده با این وجود قادر به فروش کالاها به همان قیمت به شخص ثالث است، در این صورت وی فقط مستحق دریافت خسارات اسمی از خواننده خواهد بود؛ زیرا همان مقدار کالا را فروخته و همان منافع معینی را که در صورت اجرای صحیح قرارداد توسط خواننده به دست می‌آورد، تحصیل نموده است (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۳۹).

به علاوه، یکی دیگر از قواعد متفرع بر اصل کاهش خسارت این‌گونه است که در موردی که خواهان در جریان انجام اقدامات مربوط به این موضوع منفعت‌هایی را به دست آورد، این منافع در ارزیابی خسارات قابل پرداخت توسط خواننده در نظر گرفته شده و از مقدار خسارات مزبور کسر خواهد شد. مثال قابل ذکر در این مورد که در حقوق آلمان مطرح شده این گونه است که چنانچه خریدار از پذیرفتن و قبض کالاهای موضوع قرارداد خودداری نماید و فروشنده در تلاش برای کاهش خساراتش، کالاها را به قیمتی بالاتر از قیمت بازار به فروش برساند، منفعت‌هایی را به دست می‌آورد که این منافع در ارزیابی خسارات فروشنده مدنظر قرار می‌گیرد. به نظر می‌رسد که هدف قاعده‌های مربوط به جبران خسارت، قرار دادن خواهان در شرایطی است که در حالت اجرای قرارداد، در آن شرایط قرار می‌گرفت. بنابراین، اگر منافعی که در نتیجه



نقض عاید خواهان شده است از میزان خساراتش کسر نگردد، او در شرایطی بهتر از شرایطی که در صورت اجرای قرارداد داشت، قرار خواهد گرفت.

۴. تعهد به کاهش خسارت در رویه قضایی

علاوه بر این که مواردی همچون لزوم معامله منصفانه، افزایش کارآمدی اقتصاد و پیشگیری از خسارت مبانی تعهد به کاهش خسارت تلقی می‌شوند (Cooter, ۱۹۸۹: ۸۱۷)، پایه‌های این مسئله با لزوم تعهد به همکاری طرف‌های قرارداد تقویت می‌شوند. همچنین، تعهد عام طرف‌های قرارداد به رفتار بر اساس حسن نیت متضمن این است که هر یک از آن‌ها تدابیر معقول در جهت حمایت از منافع طرف دیگر را اتخاذ نماید (Lookofsky, ۲۰۰۸: ۱۵۳).

موضوع دیگر در حقوق آلمان تأثیری است که پذیرش تعهد به کاهش خسارت بر لزوم خودیاری می‌گذارد. به این صورت که تعهد به کاهش خسارت این انگیزه را برای زیان‌دیده ایجاد می‌کند که در صورت توانایی از ورود خسارت پیشگیری کند و به این امید که خسارت قابل انتساب به طرف دیگر قرارداد و قابل جبران خواهد بود، افزایش آن را مشاهده ننماید (Barnett, ۲۰۱۶: ۷۹۵).

علاوه بر این، کاهلی در کاهش زیان نیز در زمره مبانی و علل توجیهی تعهد به کاهش خسارت محسوب می‌شود. مسئله کاهلی در کاهش زیان با ذکر مثالی در حقوق ایران توضیح داده می‌شود: آقای (الف) که راننده یک دستگاه خودرو کامیون است، به علت بی‌احتیاطی و تجاوز به چپ با خودروی آقای (ح) و خانم (ر) برخورد کرده و سبب آسیب خودروی ایشان می‌شود. زیان‌دیدگان افزون بر آسیب وارده به خودرو، مدعی می‌شوند که خودرو وسیله امرار معاش آن‌ها بوده و با توجه به توقف خودرو در تعمیرات، از منافع آن محروم شده‌اند. به همین سبب، منافع ممکن‌الحصول خودروی تصادفی را برای مدتی که در تعمیرگاه متوقف بوده، خواستار می‌شوند. خوانده مدعی می‌گردد که حاضر بوده خودرو را به تعمیرگاه برده و در زمان کمی آن را بازسازی نماید، اما خواهان‌ها قبول نکرده‌اند؛ این در حالی است که در صورتی که خواهان‌ها اجازه می‌دادند تا وی اقدام به تعمیر خودرو نماید، بسیار زودتر تعمیر صورت



می‌گرفت و آماده برای کارکردن می‌شد. بدین ترتیب، خواننده اظهار می‌نماید که خواهان‌ها برای کاهش زیان خویش اقدام نکرده و به همین علت، محق به جبران خسارت نیستند. شعبه دوم دادگاه عمومی شهریار در دادنامه شماره ۹۴۵ به تاریخ ۱۳۸۳/۱۲/۱۶، حکم به بی‌حقی خواهان‌ها می‌دهد. دادباختگان اما تجدیدنظر خواهی می‌کنند. شعبه هشتم دادگاه تجدیدنظر استان تهران به این درخواست رسیدگی کرده و در دادنامه شماره ۱۵۱۵ به تاریخ ۱۳۸۴/۱۰/۲۶ این‌گونه اشعار می‌نماید:

"خواهان‌ها مدعی‌اند که در اثر وقوع تصادف بین دو وسیله نقلیه که تصدی یکی با خواننده بوده و مطابق محتویات پرونده کیفری شماره ... سال ۱۳۸۲ شعبه ۱۰۴ دادگاه کیفری اسلام‌شهر، نامبرده مقصر تشخیص و محکومیت یافته، خودروی مینی‌بوس آنان که وسیله امرار معاش آنان بوده از تاریخ وقوع حادثه تا تاریخ ۱۳۸۲/۵/۲۸ برای تعمیرات متوقف بوده و از منافع آن محروم شده‌اند. جبران چنین خساراتی مطابق قواعد شرعی لاضرر، تسبیب و نیز ماده ۹ ق.آ.د.ک و ... و همچنین ماده ۱ ق.م.م.م. محرز و مسلم است، اما آن چه در رسیدگی به این دعوا دارای اهمیت می‌باشد آن است که باید رابطه‌ی علیت بین عمل ارتكابی خواننده و خسارت برقرار باشد. در این بحث و مطابق دادنامه استنادی خواننده که راننده یک دستگاه خودرو کامیون بوده و به علت بی‌احتیاطی و تجاوز به چپ ناشی از گردش چپ موجب بروز حادثه‌ای شده که علاوه بر صدمه و خسارت به خودروی خواهان‌ها...، موجب شده خودروی مینی‌بوس برای تعمیرات متوقف باشد و خواهان‌ها به عنوان مالکین از درآمد روزانه‌ی آن که منافع ممکن‌الحصول می‌باشد، محروم شوند و این ادعای خواننده که حاضر بوده خودرو را به تعمیرگاه ببرد و در اندک مدتی آن را بازسازی کند موجه نیست، زیرا به هر حال تعمیرات خودرو با توجه به شدت تصادف و خسارات مدتی طول می‌کشد و نیز دریافت حق بیمه و اختلاف طرفین در نوع تعمیرات و غیره ایجاب می‌نماید کارشناسی لازم و برآورد خسارات از طرق مجاری قانونی انجام شود. به همین سبب، بنا به جهات فوق رأی تجدیدنظر خواسته که این خسارات را ناشی از فعل خواننده نمی‌داند، مخدوش بوده ... و نقض می‌گردد. خواسته‌ی خواهان‌ها مطالبه خسارت ۸۲ روز توقف خودرو است که کارشناس منتخب دادگاه نیز منافع ممکن‌الحصول یک دستگاه خودروی مینی‌بوس را



روزانه ریال برآورد کرده که با شرایط مسلّم قضیه نیز دارای مغایرت نیست. از این رو، دادگاه دعوای خواهان‌ها را تا میزان فوق ثابت و خوانده را به پرداخت مبلغ فوق در حق خواهان‌ها محکوم می‌نماید (زندی، ۱۳۹۱: ۱۲۰).

بدین ترتیب، دادگاه تجدیدنظر زیان‌دیده را متعهد به تقلیل زیان خویش نمی‌داند، اما در پرونده‌ای که در یکی از دادگاه‌های کشور آلمان مطرح شد، این تعهد مورد پذیرش قرار گرفت. در این پرونده، خواندگان که اعضای یک شرکت مرکب از چهار شریک بودند، خواهان را به عنوان مدیر یک شعبه تجاری خود، به مدت دو سال استخدام نمودند. چند ماه پس از آن، شرکت فوق‌الذکر به واسطه‌ی بازنشستگی دو نفر از اعضا منحل گردید و امور تجاری به دو نفر باقی مانده واگذار شد. اینان پیشنهاد کردند که خواهان را با همان شرایط قراردادی سابق به استخدام درآورند اما او این پیشنهاد را رد کرد. انحلال شرکت از دیدگاه قانون، اخراج غیرقانونی خواهان محسوب می‌شد و خواهان در طرح دعوایی بر مبنای نقض قرارداد، درخواست دستمزدی را نمود که برای تمام مدت دو سال به او پرداخت می‌گردید. به عقیده دادگاه، او تنها استحقاق دریافت خسارت اسمی را داشت، زیرا به طور نامعقولی پیشنهاد استخدام مجدد را که می‌توانسته به کاستن از زیان او منجر شود، نپذیرفته بود (سادات اخوی و کاشانی، ۱۳۸۰: ۵۶). به این ترتیب، دادگاه تعهدی را بر دوش متعهدله جای می‌دهد که می‌توان از آن با عنوان تعهد به کاهش زیان یاد کرد.

در حقیقت، اگر روزگاری از متعهدله جز این انتظار نمی‌رفت که در گوشه‌ای منتظر ایفای تعهدات متعهد باشد و در صورت عدم وفای وی، درخواست جبران خسارت نماید، امروزه دیگر تنها گذاشتن متعهد با تعهد خود معنا ندارد؛ در واقع تنها در مرحله توافق نیست که از طرفین قرارداد انتظار مشارکت داریم، بلکه در مرحله اجرا نیز این توقع می‌رود که متعهدله خوداندیشی صرف را کنار گذاشته و خود در صحنه اجرای قرارداد به یاری متعهد شتابد و اگر به ناگاه ضرری نیز دامن‌گیر وی شود، درصدد کاهش ضرر برآید. به این ترتیب، وی با تقلیل ضرر خود توانسته در حفظ منابع اقتصادی جامعه نیز کارساز باشد.

در نهایت، همان‌گونه که عنوان شد تعهد به کاهش خسارت یکی از جلوه‌های قاعده مشارکت



در خسارت است و تنها به لحاظ زمان وقوع متمایز از آن است؛ به این ترتیب که مشارکت در خسارت به نقش زیان‌دیده قبل یا حین ایراد خسارت نظر دارد، اما تعهد به کاهش خسارت پس از ورود خسارت مطرح می‌شود. به منظور اجرای این تعهد، زیان‌دیده علاوه بر اینکه باید اقدامات معقول را برای کاهش خسارت انجام دهد، باید از اقدامات غیرمعقولی که سبب افزایش خسارت می‌شود نیز اجتناب نماید (Peel, ۲۰۱۱: ۱۱۵). در این زمینه تفاوتی نمی‌کند که فعل یا ترک فعل زیان‌دیده از روی تقصیر یا بی‌احتیاطی باشد. همچنین این تعهد علیه آن طرف قرارداد قابل اعمال است که به نقض آن استناد کرده است و این شخص ممکن است «خریدار» یا «فروشنده» باشد (حاضری، ۱۳۸۵: ۸۵). زیان‌دیده زمانی دارای تکلیف در کاهش خسارت است که از نقض تعهد مطلع باشد و در غیر این صورت، شخص بی‌اطلاع از نقض تعهد موظف به کاهش خسارت نیست (شعاریان و مولایی، ۱۳۹۱: ۱۴۵).

در مجموع به منظور تعهد به کاهش خسارت، تنها فقط خسارت‌هایی که از نقض قرارداد فی‌مابین ایجاد می‌شوند مورد توجه قرار می‌گیرند و به خسارت‌هایی که هیچ رابطه سببیتی با نقض قرارداد ندارند ترتیب اثر داده نخواهد شد. به عنوان مثال، اگر خریدار با آگاهی از نواقص فنی مبیع آن را بپذیرد و به کار گیرد و با تولید کالای معیوب سبب لطمه به حسن شهرت و کاهش مشتریان خود شود، خسارت به واسطه رفتار خریدار و نه نقض قرارداد، ایجاد شده است. با این حال خسارت‌هایی همچون پرداخت جریمه در قبال نقض قرارداد که بر اساس قوانین داخلی و بدون هیچ‌گونه ارتباط مستقیم با نقض هستند، مشمول تعهد به کاهش خسارت می‌شوند. در تصمیمی که کمیسیون مستقل مبارزه با فساد هنگ‌کنگ در سال ۲۰۰۳ اتخاذ کرد، تصریح شد که جریمه پرداخت شده از سوی خریدار به واسطه عدم تحویل مبیع از سوی فروشنده و به رغم هشدار خریدار تعیین شده و خریدار هیچ کوتاهی در خصوص کاهش خسارت نداشته است. همچنین مبادرت نمودن به اقدامات مرتبط به کاهش خسارت کافی است و ضرورتی به گذراندن و حصول نتیجه نیست و تنها شرط آن معقول بودن است (صادقی، ۱۳۸۳: ۱۷۵). به عبارت دیگر، ماهیت تکلیف زیان‌دیده تعهد به وسیله، و نه تعهد به نتیجه، است و حتی اگر این اقدامات سبب کاهش خسارت نشوند نیز هزینه‌های ناشی از آنها قابل مطالبه است (ابهری و



کاویار، ۱۳۹۲: ۸۵).

به عنوان یک شرط شکلی نیز باید گفت کاهش غرامت در قبال کوتاهی زیان‌دیده در کاهش خسارت، نیازی به درخواست رسمی نقض‌کننده ندارد، بلکه همان‌طور که دیوان عالی آلمان در پرونده ونه وکس^۲ در سال ۱۹۹۹ تصریح کرد، قاعده مزبور این ویژگی را دارد که به صورت خودکار و به ابتکار دادگاه اعمال شود (Rizink, ۲۰۰۹: ۵).

۵. انعقاد قرارداد جایگزین و تعهد زیان‌دیده به کاهش خسارت

در خصوص تعهد به کاهش خسارت توسط زیان‌دیده، وی می‌تواند با عدم اجرا نمودن قرارداد و نادیده گرفتن قرارداد نخستین، یک قرارداد جایگزین با شخص ثالث برای خرید یا فروش مبیع منعقد نماید. به این صورت که با توجه به موضوع قرارداد اعم از خرید یا فروش، مبیع را از شخص ثالثی بخرد یا آن را به فرد دیگری بفروشد و تنها راجع به اختلاف مبلغ قرارداد نخستین و قرارداد ثانویه به نقض‌کننده قرارداد نخستین مراجعه نماید.

در حقیقت، یکی از روش‌های رایج کاهش خسارت انجام معامله‌ی مذکور بوده و زیان‌دیده چنانچه امکان انعقاد آن را داشته باشد، لازم است بعد از ختم قرارداد، با انعقاد معامله‌ی جایگزین از توسعه‌ی زیان جلوگیری نماید (شعاریان و مولائی، ۱۳۹۱: ۱۴۷). در پرونده وانکنز جانسون^۳ که بعد از امتناع خوانده، یعنی دولت ایران، از پرداخت مبلغ قابل توجهی از قرارداد فروش ابزارآلات الکترونیکی مورد استفاده در برنامه نظامی، شرکت خواهان قرارداد جایگزینی را برای فروش اقلام موضوع قرارداد منعقد کرد. دیوان داوری اعلام نمود حق فروشنده در زمینه فروش اقلام تحویل نشده به منظور کاهش خسارت‌هایش، مطابق حقوق بین‌الملل مربوط به قراردادهای تجاری بوده است. با این حال، هنگامی که مبیع با توجه به خصوصیات درخواست شده از سوی خریدار و به سفارش او تولید شده باشد، اغلب امکان توسل به قرارداد جایگزین وجود ندارد و

2. Vine Wax

۳. Watkins-Johnson Company علیه دولت جمهوری اسلامی ایران، رأی شماره ۲۲۶-۲۹۶-۲، دیوان دعاوی ایران و ایالات متحده (Iran-United States Claims Tribunal)، لاهه، ۱۹۸۷.



همان‌طور که کمیسیون داوری تجاری و اقتصادی چین^۴ تصریح کرد، به سبب دشواری فروش کالاهای سفارشی خریدار به خریدار ثالث، درخواست خسارت فروشنده از بابت نقض قرارداد اولیه - در صورت تفاوت میان مبلغ قرارداد اولیه و قرارداد ثانویه - درخواستی معقول و قابل پذیرش است.

همچنین اگر قرارداد مربوط به ارائه خدمات باشد نیز توسل به قرارداد جایگزین راهکاری غیر متداول است. با توجه به آنکه زیان‌دیده صرفاً می‌تواند در زمینه اختلاف میان مبلغ مورد توافق در قرارداد نخستین و قرارداد جایگزین ادعای خسارت کند، چنانچه زیان‌دیده به واسطه قرارداد جایگزین کالای بهتر یا منافع بیشتری حاصل کند، دادگاه در تعیین خسارت ناشی از نقض قرارداد نخستین با مشکل مواجه خواهد شد؛ به این سبب که حکم دادگاه نباید خواهان را در شرایطی بهتر از موقعیتی قرار دهد که اگر قرارداد به طور صحیح اجرا می‌شد در آن موقعیت قرار می‌گرفت. در حقیقت، اگر خریدار مبلغ اولیه قرارداد را نپذیرد، اما مبلغ پیشنهادی جدیدش - به رغم اینکه کمتر از مبلغ قرارداد اولیه است - از قیمت کنونی بازار بالاتر باشد، فروشنده باید برای کاهش خسارت به خود پیشنهاد جدید را بپذیرد.

در راستای اثبات اقدامات انجام شده جهت تعهد به کاهش خسارت باید گفت، در ابتدا این‌گونه مشاهده می‌شود که اثبات اقداماتی که می‌توانست به منظور کاهش خسارت انجام بگیرد و قصور زیان‌دیده در اتخاذ آن‌ها با نقض‌کننده قرارداد - خوانده دعوا - است (Saidov, ۲۰۰۸: ۱۳۲).

طبیعی است ثابت شدن عدم کفایت یا غیرمعقول بودن اقدامات اتخاذ شده از طرف زیان‌دیده نیز نتایج مورد نظر نقض‌کننده را ایجاد می‌نماید. اما رویه قضایی بین‌المللی در این باره حاکی از آن است که پذیرش این موضوع به نحو مطلق قابل پذیرش نیست. دیوان داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی^۵ در یکی از آرای خود در سال ۱۹۸۲ میلادی عنوان می‌نماید که ضروری است سرمایه گذار - خواهان دعوا - اخذ همه تدابیر مرتبط با کاهش خسارت را ثابت نماید. با این حال دیوان مزبور در رأی صادره خود در سال ۱۹۹۶، از اظهار نظر قبلی خود بازگشت و اعلام نمود طرفین

4. China International Economic and Trade Arbitration Commission (CIETAC)

5. International Court of Arbitration of the International Chamber of Commerce (ICC)



اختلاف که این ادعا را دارد که سرمایه‌گذار تدابیر مرتبط با کاهش خسارت را اخذ ننموده است، بار اثبات ادعا را بر عهده خواهد داشت. دیوان داورى ایکسید^۶ نیز نتیجه‌گیری مذکور را در پرونده سیمان خاورمیانه علیه مصر (۲۰۰۲)^۷ تأیید نموده است.

البته نظر سومى نیز در حقوق آلمان در این زمینه مطرح شده است که بر حسب آن، هر یک از طرف‌های اختلاف باید خسارت وارده به خود و عدم خسارت طرف دیگر را ثابت نمایند. چنانچه این نظر مورد قبول قرار گیرد، هر طرفی که خسارت وارده به خود را مدعی شود، باید اقدامات مربوط به کاهش خسارت را نیز اثبات نماید. به عنوان مثال، در یکی از آرا صادره، یک فروشنده‌ی آلمانی به استناد قرارداد منعقد، ۸۰۰۰ دستگاه برقی را به خریدار سوئیسی تحویل داد اما خریدار نواقصی را عنوان و از پرداخت قیمت امتناع نمود. وی ادعا کرد که دفترچه‌های آموزشی تحویل داده شده به زبان آلمانی هستند و نه به زبان رایج در سوئیس. دادگاه در این خصوص مقرر نمود، وسایل مخصوص بازار سوئیس تولید شده است و خریدار می‌توانست کتابچه‌ی راهنما را از جای دیگری تهیه نماید و با عدم اقدام به این کار تعهد خویش را مبنی بر تقلیل خسارت نقض کرده است (Rigaudeau, ۲۰۱۰: ۴۵).

در حقیقت در این جا باید گفت که به معیار "عامل اصلی" یا نظریه سبب نزدیک و بی‌واسطه متوسل گردیده‌اند. بر اساس این نظریه در میان شرایط لازم، یکی از آنها تعیین می‌شود و ضرر بر آن تحمیل می‌گردد. این که چه عملی را باید سبب نزدیک و بی‌واسطه وقوع حادثه محسوب نمود بسته به اصول، ملاحظات و سیاستگذاری‌های خاصی دارد. به عنوان مثال، یکی از موارد این است که اگر هدف مسئولیت مدنی، کاهش احتمال ورود خسارت باشد، در این صورت سبب نزدیک و بی‌واسطه وقوع خسارت فعل یا ترک فعل، فردی است که با کم‌ترین هزینه امکان دارد احتمال وقوع ضرر را کمتر نماید. حقوقدانانی هم که به طور کلی مسئولیت مدنی را مبتنی بر رابطه سببیت می‌دانند از معیار "اگر...نبود" دست برداشته و معانی دیگری را از رابطه سببیت

6. International Centre for Settlement of Investment Disputes (ICSID)

۷. شرکت Middle East Cement Shipping and Handling S.A علیه جمهوری عربی مصر، پرونده شماره ICSID: ARB/99/6.

دیوان داورى ایکسید (مرکز بین‌المللی حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری)، ۲۰۰۲.



مورد توجه قرار داده‌اند.

یکی از با اهمیت‌ترین این نظریه‌ها، نظریه هربرت هارت^۸ با ریشه آلمانی و لهستانی است که مسئولیت مدنی را حاکم بر رابطه سببیت (مسئولیت محض) می‌داند و معتقد است که انتساب رابطه سببیت امری واقعی است و نه هنجاری و قضاوت حقوق درباره رابطه سببیت موضوعی واقعی است و نه هنجاری، و قضاوت حقوق درباره رابطه سببیت باید حاکم بر برداشت‌هایی باشد که افراد معمولی از رابطه سببیت دارند، نه تعریفی که دیگر اندیشمندان از آن ارائه می‌دهند؛ برداشت عرف عام از رابطه سببیت مبتنی بر هر نوع انحرافی از جریان عادی و طبیعی امور است (بادینی، ۱۳۹۴: ۲۲۲-۲۲۳).

۶. نتیجه‌گیری

زیان‌دیده از خسارت ناشی از نقض قرارداد، اعم از خریدار و فروشنده، در خصوص خسارت‌هایی که می‌توانست با اتخاذ اقدامات معقول اعم از فعل یا ترک فعل از بروز آن‌ها پیشگیری کند، مستحق غرامت نیست. در زمینه تعهد به کاهش خسارت نیز بدون هیچ‌گونه قیدی در خصوص رفتار زیان‌دیده، اعم از رفتار مبتنی بر تقصیر و رفتار مبتنی بر بی‌احتیاطی، قابل اعمال است. علاوه بر اقدامات معقول به منظور کاهش خسارت، زیان‌دیده باید از اقدامات غیرمعقولی که سبب افزایش خسارت می‌شود نیز اجتناب نماید.

مؤثرترین اقدامی که زیان‌دیده از نقض قرارداد می‌تواند به جهت کاهش خسارت اتخاذ کند، توسل به یک قرارداد جایگزین است. حتی هنگام نادیده گرفتن قرارداد نخستین و توسل به قرارداد جایگزین، تفاوت میان مبلغ دو قرارداد در صورت کمتر بودن مبلغ قرارداد جایگزین و سایر هزینه‌های مربوط به قرارداد جدید مانند حق‌الزحمه دلال، خسارت برگرفته از نقض قرارداد نخستین محسوب می‌شود و از نقض‌کننده آن قابل مطالبه است. همچنین، هزینه‌های ناشی از اقدامات اتخاذ شده در زمینه کاهش خسارت نیز فارغ از نتیجه حاصله قابل مطالبه است؛ مشروط بر اینکه شرط معقول بودن در آن‌ها رعایت شود.

8. Herbert L. A. Hart



یافته‌های برگرفته از مقاله نشان داد که مطابق قاعده‌ی تقلیل خسارت یا همان کاهش خسارت در حقوق آلمان، زیان‌دیده دارای این تعهد است که تمامی اقدامات متعارف و معقولی را که برای تقلیل خسارت لازم و ضروری است، انجام دهد. البته تعهد به تقلیل خسارت همانند سایر تعهدات دیگر تحت شرایط خاصی ایجاد می‌شود؛ در نقض تعهد، آگاهی زیان‌دیده و امکان تقلیل خسارت شرایط لازم برای اعمال قاعده‌ی تقلیل خسارت هستند. البته در حقوق آلمان که نظریه‌ی نقض قابل پیش‌بینی را مورد قبول قرار داده‌اند، زیان‌دیده دارای این تعهد است که به واسطه پیش‌بینی نقض قرارداد، اقدامات لازم برای تقلیل خسارت را ترتیب دهد. در حقوق ایران با وجود اشاره به این موضوع در ماده ۳۵۵ قانون مجازات سابق و ماده ۱۵ قانون بیمه و همچنین بند سوم ماده ۴ قانون مسئولیت مدنی، باز هم خلاءهای زیادی مشاهده می‌شود که نشان می‌دهد حقوق ایران نیازمند وضع قاعده‌ای روشن و بدون ابهام در این باره است. به علاوه، در حقوق ایران و آلمان زیان‌دیده تنها مکلف به انجام اقدامات متعارف و معقول به جهت تقلیل خسارات بوده و از زیان‌دیده انتظار انجام اقدامات غیرمتعارف و مشقت‌آور وجود ندارد؛ زیرا در درجه اول، حقوق از اشخاص انتظار فداکاری و ابراز شجاعت ندارد و در درجه دوم، مقصّر اصلی خوانده است که با نقض تعهد خود منجر به ایجاد مشکل برای خواهان گردیده است. در حقیقت، دلیل تحمیل وظیفه‌ی تقلیل خسارت بر زیان‌دیده نقض تعهد توسط خوانده است، بنابراین سخت‌گیری در مورد تقلیل خسارت بر خواهان شایسته نیست.

معیار اقدامات متعارف نیز شخصی بوده و دادگاه در هر موضوع بر حسب شرایط حاکم بر موضوع ارزیابی خود را از نحوه‌ی اقدام زیان‌دیده انجام خواهد داد. اقدامات زیان‌دیده در کاهش خسارت به دو شکل فعل مثبت و منفی ممکن بوده و البته باید این موضوع را مدنظر داشت که تکلیف زیان‌دیده از مصادیق تعهد به وسیله است.

امکان دارد با وجود جمع بودن شرایط تحقق، موانعی مانع اعمال قاعده‌ی تقلیل خسارت گردد؛ در موردی که اجرای عین تعهد به عنوان ضمانت اجرای اصلی نقض تعهد است، اجرای عین تعهد مانع اصلی در اجرای قاعده‌ی مذکور محسوب می‌شود و به همین علت محدوده‌ی اجرای این قاعده در حقوق ایران و آلمان مضیق‌تر از نظام کامن‌لا است که در آن اجرای عین



تعهد به عنوان اصل در نظر گرفته نشده است. پیش‌بینی وجه التزام در قرارداد نیز در زمره موانع اجرای قاعده‌ی تقلیل خسارت می‌باشد؛ زیرا در این حالت خسارت به شکل مقطوع تعیین شده و امکان تعدیل خسارت به علت عدم انجام اقدامات متعارف به وسیله خواهان برای تقلیل خسارت وجود ندارد.

از این رو، ملاحظه می‌شود که مقایسه حقوق مدنی ایران با حقوق کشور آلمان حکایت از وجود نواقص و ناکارآمدی‌هایی در موضوع ضمانت اجرای نقض قرارداد و به طور خاص تعیین خسارت دارد. به همین سبب، پیشنهاد می‌شود که در قوانین مختلف ایران از جمله قانون مدنی با اقتباس از حقوق کشورهای دیگر، مقررات روشن و کارآمدی در جهت حمایت از طرف زیان‌دیده از نقض قرارداد پیش‌بینی گردد؛ زیرا تکلیف خواهان به تقلیل خسارت، به معنای تکلیف قانونی و تعهد به معنای رایج نیست، به این علت که هیچ حق متقابلی وجود ندارد و نقض این تکلیف هیچ مسئولیتی ایجاد نمی‌نماید. همانند اینکه: "چنانچه خواهان به تکلیف خود در جبران خسارت عمل ننماید، نمی‌تواند خساراتی را که قابل تقلیل یا رفع بوده، از خوانده مطالبه کند. در مورد اثبات دعوی تقلیل خسارت نیز باید از این قاعده پیروی نمود، زیرا طرفی که این ادعا را دارد که زیان‌دیده اقدامات پیشگیرانه متناسبی انجام نداده است، باید ادعای خود را اثبات نماید."

۷. منابع

۷-۱) منابع فارسی

الف) کتب

۱. بادینی، حسن (۱۳۹۴). *فلسفه مسئولیت مدنی*، چاپ سوم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۲. زندی، محمدرضا (۱۳۹۱). *رویه قضایی دادگاه‌های بدوی و تجدیدنظر استان تهران*، چاپ دهم، تهران: انتشارات جنگل.
۳. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۶). *الزام‌های خارج از قرارداد*، چاپ هفتم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

ب) مقالات در نشریات علمی



۴. ابهری، حمید و حسین کاویار (۱۳۹۲). «نظریه تقلیل خسارت در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا (۱۹۸۰ وین) و حقوق ایران»، *دانش حقوق مدنی*، دوره ۲، شماره ۱، صص ۷۹ - ۹۴.
 ۵. بادینی، حسن، تقی زاده، ابراهیم، علیدوستی شهرکی، ناصرو پانته آ پناهی اصانلو (۱۳۹۵). «تأثیر اصل جبران کامل خسارات در شیوه‌های عینی و انتزاعی ارزیابی خسارات در بیع بین‌المللی کالا»، *پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، دوره ۲۰، شماره ۱، صص ۱ - ۲۰.
 ۶. حاضری، جواد (۱۳۸۵). «قاعده کاهش خسارت در کامن‌لا و کنوانسیون بیع ۱۹۸۰»، *گواه*، شماره‌های ۶ و ۷، صص ۸۲ - ۸۹.
 ۷. سادات اخوی، سید محسن و محمود کاشانی (۱۳۸۰). «تکلیف زیان دیده به کاستن از خسارت با تأکید بر حقوق انگلیس و آمریکا»، *علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، شماره ۳۳، صص ۵۶ - ۶۸.
 ۸. شعاریان، ابراهیم و یوسف مولایی (۱۳۹۰). «مطالعه تطبیقی مبانی قاعده تقلیل خسارت»، *مطالعات حقوق تطبیقی معاصر*، دوره ۲، شماره ۲، صص ۱۳۱ - ۱۵۵.
 ۹. صادقی، محسن (۱۳۸۳). «شیوه‌های جبران خسارت ناشی از نقض تعهد قراردادی در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا»، *پژوهش حقوقی*، دوره ۳، شماره ۵، صص ۱۵۳ - ۱۷۷.
 ۱۰. طهماسبی، علی (۱۳۹۷). «مطالعه تطبیقی الزام به ایفای عین تعهد و فسخ قرارداد در حقوق ایران و آلمان»، *پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، دوره ۲۲، شماره ۱، صص ۲۷ - ۴۹.
- (ج) مقاله در کتاب (مجموعه مقالات)
۱۱. داراب‌پور، مهرباب و محمد داراب‌پور (۱۳۹۶). «مسئولیت مدنی برای خسارات ناشی از آلودگی‌های معدنی یا اولویت پیشگیری از آن»، در: *کتاب تجلیل از استاد شهید دکتر قربان‌نیا، انتشارات دانشگاه قم*.

۲-۷) منابع خارجی

A) Books

1. Lookofsky, J. (2008). Understanding the CISG, A Compact Guide to the 1980



United Nations Convention on contract for the International Sale of Goods, Kluwer Law International.

2. Peel, E. (2011). Treitel on the Law of Contract, Sweet and Maxwell.
3. Saidov, D. (2021). The law of damages in international sales: the CISG and other international instruments, Bloomsbury Publishing.
4. Schlechtriem, P., & Butler, P. (2008). UN Law on international sales: The UN Convention on the international sale of goods. Springer Science & Business Media.
5. Zimmerman, R. (2005). The New German Law of Obligations: Historical and Comparative Perspectives, Oxford Scholarship Online.

B) Articles

6. BARNETT, K. (2016). "Substitutive damages and mitigation in contract law", Singapore Academy of Law Journal (Special Issue), 795-824.
7. Cooter, R. D. (1989). "Best right laws: value foundations of the economic analysis of law", Notre Dame L. Rev., (64), 817.
8. Knapp, V. (1998). "Commentary on the International Sales Law: The 1980 Vienna Sales Convention-edited by C Massimo Bianca and Michael Joachim Bonell", Giuffre, 545-573.
9. Ridder, P., & Weller, M. P. (2014). "Unforeseen circumstances, hardship, impossibility and force majeure under German contract law". European Review of Private Law, 22(3), 371-391.
10. Rigaudeau, Baptiste. (2010). "The Calculation of Damages in Arbitration: towards more Flexibility in Assessing Mitigation?", *Versailles International Arbitration and Business Law Review*, (1), 43-49.
11. Rizink, P. (2010). "Some Aspects of Loss Mitigation in International Sale of Goods", *Vindobona Journal of International Commercial Law and Arbitration*, (14), 267-282.

In Persian:

A) Books

12. Badini, H. (2015). *Falsafe-ye Mas'ooliyat-e Madani*, (3rd ed.), Tehran: Sherkat-e Sahami-ye Enteshar. [In Persian]
13. Zandi, M. R. (2012). *Raviye-ye Qaza'i-ye Dadgahha-ye Badvi va Tajdid-e Nazar-e Ostan-e Tehran*, (10th ed.), Tehran: Jangal Publications. [In Persian]
14. Katouzian, N. (2007). *Elzam-e Kharej az Qarardad*, (7th ed.), Tehran: University of Tehran Press. [In Persian]



B) Articles in Journals

15. Abhari, H. and Kaviyar, H. (2013). "Theory of Mitigation (A Comparative Study in UN Convention on International Sale of Goods and Iranian Law)", Civil Law Knowledge, 2(1), 79-94.
16. Badini H, Taghizadeh E, Alidoosti Shahraki N, Panahi Osanlo P. (2016). "The Effect of the Principle of Full Compensation for Damages in Objective and Abstract Methods in Assessing of Damages on the International Sale of Goods", Comparative Law Researches, 20 (1), 1-20.
17. Hazeri, J. (2006). "Qaedehe-ye Kahesh-e Khesarat dar Common Law va Convention Bie'-e. 1980", Govah, vol. 6-7, 82-89. [In Persian]
18. Sadat Akhavi, M., & Kashani, M. (2001). "Taklif-e Ziyan Dideh be Kasten az Khesarat", Olume Ejtemaie va Ensani-ye Daneshgah-e Shiraz, vol. 33, 56-68. [In Persian]
19. Shoarian, E. and Molaei, Y. (2011). "The Basis of Mitigation of Damage Principle: A Comparative Study", Jurisprudence and Islamic Law, 2(2), 131-155.
20. Sadeqi, M. (1383). "Methods of Restitution of Contractual Obligation Breach in the International Sales of Goods Convention", Journal of Legal Research, 3(5), 153-177.
21. Tahmasebi, A. (2018). "Comparative Study of Specific Performance and Termination of Contract in Iran's and German law", Comparative Law Researches, 22(1), 27-49.

C) Articles in Book

22. Drabpour, M., & Drarabpour, M. (2017). "Masouliat-e Madani Baray-e Khesarat-e Nashi az Aloudegiha-ye Ma'dani ya Olaviat-e Pishgiri az an", dar Ketabe Tajlil az Ostad-e Shahid Dr. Qorbannia, Entesharat-e Daneshgah-e Qom. [In Persian]

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی